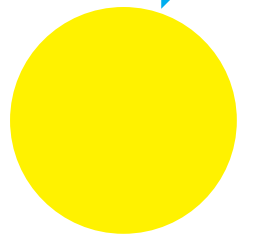


ایران



• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی مقتیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • شماره مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دوازده گواهینامه اینزو ۹۰۱۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

خر: بر بلندای قله آزادی

از سپاه غبار آمدی و به کاروان نور پیوستی، در هیاهوی شمشیرها، صدایی را شنیدی که دیگران نشنیدند؛ صدای حقیقت که از قلب حسین برمی‌خاست و تا آرزای جانت نفوذ می‌کرد، چه میدان بزگی بود آن نبرد پنهان؛ میدان تردید و

یقین، دنیا و ابدیت، و تو در سخت‌ترین لحظه انتخاب، راه آسمان را برگزیدی.

تو آمدی، پشیمان و سر به زسر، در حالی که بر شانه‌های امانتی سنگین بود، و حسین آغوش رحمت را به رویت گشود.

ای حرا!

آنگاه که به میدان زدی، شمشیرت دیگر از جنس آهن نبود؛ از جنس ایمان بود. هر ضربه‌ات فریادی بود که می‌گفت آزادی را نمی‌توان به بند کشید! و چه باشکوه بود آخرین تاختنت، گویی عقابی

نخل قول

هنرمندان، فرهنگ را روی گرده‌های خود دارند

من اصلاً به مسابقه میان هنرمندان قائل نیستم. هنرمندان جایزه‌بگیر شده بودند و این باعث شده بود اختلاف نظرها و دیدگاه‌های زیادی پنهان، زیر جلد ماجرا شکل بگیرد اما هویدا نشود. فرض کنید در یک جشنواره وقتی حکایت جایزه‌بگیری است، یک نقاش بزرگ شرکت نخواهد کرد؛ زیرا آن هنرمند اول تشویب دارد که کارش را هیأت داوران رد کند، دوم اینکه با چه کسانی دارد مسابقه می‌دهد. آیا این شایسته من است که در یک مسابقه شرکت کنم یا نه. ما در عمل، گروه بزرگی از هنرمندان با لیاقت و ارزنده را از کف می‌دادیم و ناچار بودیم برای جذب آنها دنبال راه‌حل‌های دیگری باشیم و هزاران دشواری دیگر. همچنین هنرمندان با ورنه برادران اختلاف دارند. یک ورنه برادر که می‌تواند ۳۰۰ کیلوگرم ورنه را روی کرده خود ببرد، زنده باد؛ خیلی تمرین کرده و کوشیده اما ما هنرمندان، می‌خواهیم فرهنگ را روی کرده‌های خودمان قرار دهیم، می‌خواهیم پشتیبانی کنیم برای اینکه چیزهای گمشده تاریخ ما باز دیده شود، برای اینکه آینده را بسازیم.

از صحبت‌های بهرام کلهرنیا دبیر هجدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

نقل قول



چگونه یک عروسک به یک شخصیت تبدیل شد؟

جناب‌خان؛ از کاراکتر عروسکی تا پدیده فرهنگی



نمایی از برنامه «قصه‌های عمو و جناب‌خان»

گزارش

نگرس عاشوری

گروه فرهنگی

دوره‌ای در تلویزیون ایران، عروسک‌ها فقط تکه‌ای اسفنج و پارچه نبودند. کلاه قرمزی با شیپلنت‌های کودکانه‌اش، پسر خاله با سادگی دوست‌داشتنی‌اش، فامیل‌دور با غرزن‌های بامزه‌اش و شخصیت‌های «مدرسه عروسک‌ها» مانند کیل، نازنجی و سرمامی، به موضوع گفت‌وگوهای خانوادگی تبدیل شدند و جمله‌های‌شان در زبان روزمره مردم جا افتاد. این شخصیت‌ها دیگر فقط عروسک نبودند؛ عضوی از خانواده بودند.

راز ماندگاری آنها چه بود؟ نه‌از بودجه‌های هنگفت خبری بود و نه‌از جلوه‌های ویژه پیچیده. شخصیتی که مستقل به نظر می‌رسید، اشتباه می‌کرد، دلخوری می‌شد، عاشق می‌شد، قهر می‌کرد و دوباره آشتی می‌کرد. مخاطب احساس می‌کرد با یک انسان رویه‌روست، نه با جسمی بی‌جان. این پیوند عاطفی محصول دورانی بود که در آن، تخیل در قایب کوچک سال‌ها پیش از فناوری اهمیت داشت.

تلویزیون پیش از فناوری اهمیت داشت.

سازمان‌ها در دوره‌ای که بسیاری تصور می‌کردند تلویزیون دیگر قادر به ایجاد چنین پیوند عاطفی عمیقی نیست، شخصیتی ظهور کرد که دوباره همان حس را زنده کرد؛ این بار بیشتر برای مخاطبان بزرگسال.

عروسکی بنگش، لیوفروش و عاشق‌پیشه که شعر و موسیقی را خوب می‌شناخت. «جناب‌خان» تقریباً برای هر اتفاقی خاطره‌ای برای تعریف کردن داشت؛ گویی آمده بود تا خودش نیز به بخشی از خاطره جمعی مخاطبان تبدیل شود.

او شخصیتی طناز بود، اما طنزش فقط برای خنداندن نبود؛ جایی برای همدلی نیز داشت.

می‌کرد، شوخی‌هایش می‌توانست ساده باشد و در عین حال، اشاراتی اجتماعی در خود داشته باشد.

گرفتن چند عامل بود: طراحی شخصیتی با هویت مشخص، عروسک‌گردانی حرفه‌ای و مهم‌تر از همه، صداپیشگی محمد بحرانی.

بحرانی با بداهه‌پردازی و هوش کلامی خود، شوخی‌ها را از دل گفت‌وگو بیرون می‌کشید، میهمانان را غافلگیر می‌کرد و حتی مجری را به چالش می‌کشید.

بسیاری از لحظه‌های ماندگار جناب‌خان در «خندوانه» دقیقاً از همین تعامل‌های زنده شکل گرفت؛ جایی که

گفت‌وگو از متن فاصله می‌گرفت و واکنش‌های سریع او باعث می‌شد مخاطب، جناب‌خان را شخصیتی مستقل و واقعی تصور کند. با این حال، موفقیت جناب‌خان تا حد زیادی به بستری «خندوانه» نیز گره خورده بود. رامبد جوان به عنوان مجری، فضای کافی را برای بازی و بروز این کاراکتر فراهم می‌کرد و میان آنها پیش از آن‌که رقابتی وجود داشته باشد، نوعی همراهی و هم‌افزایی دیده می‌شد. پس از پایان این برنامه، این پرسش مطرح شد که آیا جناب‌خان می‌تواند در قالبی دیگر نیز همان ارتباط را با مخاطبان حفظ کند؟ تجربه همکاری او با محسن کیایی نشان داد که پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. این ترکیب به اندازه «خندوانه» موفق نبود. شخصیت جناب‌خان به فضای باز و تعاملی نیاز دارد؛ هرچه قالب برنامه محدودتر باشد، میدان بازی او نیز کوچک‌تر می‌شود. اکنون در برنامه «قصه‌های عمو و جناب‌خان»، هومن حاجی‌عبداللهی در کنار او قرار گرفته است؛ بازیگری که با دنیای عروسک‌ها بیگانه نیست. با این همه، چالش اصلی همچنان پابرجاست: آیا این شخصیت می‌تواند در قالبی تازه، بدون آن‌که به تکرار بیفتد، همان طراوت و جذابیت گذشته را حفظ کند؟

برای فهم اینکه چرابرخی عروسک‌ها در حافظه جمعی ماندگار و برخی دیگر به فراموشی سپرده می‌شوند، با بهروز غریب‌پور، کارگردان تئاتر عروسکی و مسعود کوثری، جامعه‌شناس رسانه گفت‌وگو کرده‌ایم.

عروسکی طناز و نقاد

دکتر مسعود کوثری، پژوهشگر حوزه ارتباطات و فرهنگ، از زاویه‌ای دیگر به این پدیده نگاه می‌کند. او معتقد است جذابیت جناب‌خان به جایگاه انتقادی او در ساختار برنامه برمی‌گردد: «جناب‌خان به دلیل کاراکتر انتقادی‌ای که دارد، می‌تواند نوعی توازن در برابر مجری ایجاد کند.

به عبارت دیگر، گویی مجری از یک گفت‌وگو رسمی صحبت می‌کند؛ این گفت‌وگو رسمی می‌تواند گفت‌وگو یک برنامه، گفت‌وگو یک کارگردان، گفت‌وگو یک رسانه حتی گفت‌وگوهای بزرگ‌تر باشد. در مقابل، جناب‌خان نوعی ضدگفت‌وگو یا گفت‌وگو حاشیه‌ای را نمایندگی می‌کند و می‌تواند با نقشی انتقادی، این توازن را به وجود بیاورد.

به گفته او، همین فاصله گرفتن از زبان رسمی است که با این کاراکتر امکان می‌دهد حرف‌هایی را بزند



از نگاه کوثری، آنچه در عروسک‌ها باعث می‌شود مخاطب یک شخصیت عروسکی را جدی بگیرد، میزان باورپذیری آن است. او می‌گوید: «اگر یک کاراکتر به درستی اجرا شود، عمق شخصیتی داشته باشد و ویژگی‌های زبانی و رفتاری مشخصی پیدا کند، می‌تواند به عنوان یک شخصیت زنده در ذهن مخاطب

وقتی عروسک از شیء به شخصیت تبدیل می‌شود



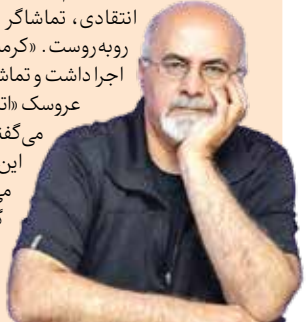
بشرش

بهروز غریب‌پور، کارگردان و پژوهشگر تئاتر عروسکی، معتقد است ماندگاری یک عروسک پیش از هر چیز به رابطه‌ای بستگی دارد که میان عروسک، بازی‌دهنده، مجری و مخاطب شکل می‌گیرد. غریب‌پور در ابتدای گفت‌وگو تأکید می‌کند که ارزیابی او از جناب‌خان بر پایه مشاهدات محدودی است که از این شخصیت در برنامه «خندوانه» داشته است. او توضیح می‌دهد که ماندگاری یک کاراکتر عروسکی معمولاً حاصل تلفیق چند عنصر است: «صدا، گفتار، شکل ظاهری متناسب و بازی‌دهندگی دقیق. وقتی این عناصر به درستی در کنار هم قرار بگیرند، عروسک در ذهن تماشاگر ماندگار می‌شود. در مورد جناب‌خان، نقش آقای بحرانی بسیار مهم است. تسلط او بر موسیقی و واکنش‌هایی که کاملاً شبیه رفتار یک موجود زنده است، باعث می‌شود عروسک باورپذیر شود. در واقع، بازی‌دهنده عروسک را جدا از خودش تصور نمی‌کند؛ انگار خود اوست که در ظاهری دیگر حضور یافته است.»



این کارگردان برای توضیح این موضوع به سنت خیمه‌بازی اشاره می‌کند: «در نمایش سنتی ما، شخصی به نام مرشد در کنار خیمه می‌نشیند و با عروسک مبارک گفت‌وگو می‌کند. این گفت‌وگو به گونه‌ای پیش می‌رود که گویی دو انسان واقعی با یکدیگر صحبت می‌کنند. وقتی این رابطه سه‌ضلعی میان مرشد، عروسک و تماشاگر شکل می‌گیرد، عروسک از یک شیء «ساده» چوب یا پارچه فراتر می‌رود و جان می‌گیرد.» غریب‌پور در ادامه خاطره‌ای شنیذنی را نقل می‌کند: «مبارک حرکت طبیعی ندارد و بیشتر به‌صورت جهشی حرکت می‌کند. بازی‌دهنده نیز از سوئیک و صداگذاری استفاده می‌کند، اما مهارت او باعث می‌شود مخاطب مبارک را موجودی زنده ببیند. شخصی به نام پرستار، همراه با مرحوم نعمت‌الله عباسی که مرشد بسیار توانمند بود، مبارک را بازی می‌کرد. او تعریف می‌کرد که در یک مهمانی هنگام افطار، خانم سالخوردی‌ای با ظرف فرنی به سمت مبارک آمد و گفت: «بخور عزیزم، از بس حرف زدی خسته شدی.» او واقعاً باور کرده بود که مبارک زنده است و حتی می‌خواست ظرف را به دست او بدهد. این تجربه نشان می‌دهد که تماشاگر موجودیت عروسک را پذیرفته بود. حتی زمانی که مرشد مبارک را در دعوای‌های برنامه‌های تلویزیونی می‌دید، او می‌تواند باور کرده باشد که مخاطب قاب تلویزیون را فراموش کند. مارشال مک‌لوهان، نظریه‌پرداز رسانه، می‌گوید: «اگر یک برنامه تلویزیونی تأثیر عاطفی واقعی داشته باشد، مخاطب احساس می‌کند آن شخصیت در خانه او حضور دارد.» این همان تأثیر روانی رسانه است. اگر چنین ارتباطی شکل بگیرد، شخصیت - چه عروسک باشد و چه بازیگر- برای مخاطب واقعی می‌شود.»

او به نمونه‌های ایرانی و جهانی نیز اشاره می‌کند: «مثلاً نصرت کریمی عروسکی داشتند به نام «آقای شای» که با صدای گرم ایشان و طرح و موسیقات انتقادی، تماشاگر را وادار می‌کرد فراموش کند با یک عروسک روبه‌روست. «کرمیت» از مجموعه مایپ‌ها حتی در مراسم اسکار اجرا داشت و تماشاگران بزرگسال نیز با آن ارتباط برقرار می‌کردند. عروسک «اتلوه» در ابتدای آن قدر اثرگذار بود که مدیران مدارس می‌گفتند نکاتی که ما معلمان می‌گوییم و اثری ندارد، اگر این عروسک مطرح کند، دانش‌آموزان آن را جدی می‌گیرند. بنابراین، اگر بازی‌دهندگی درست، گفت‌وگو و صدا در کنار شناخت جهان ذهنی مخاطب قرار بگیرند، عروسک به شخصیتی ماندگار تبدیل می‌شود.»



شکل بگیرد. به گفته او، در چنین شرایطی حتی ماهیت عروسکی شخصیت نیز مانع ارتباط مخاطب نمی‌شود: «وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، مخاطب با کاراکتر ارتباط برقرار می‌کند، برای او نامه می‌نویسد، با او درد دل می‌کند، او را خطاب قرار می‌دهد یا حتی از او راهنمایی می‌خواهد. در واقع، شخصیت به جمع کاراکترهای زنده می‌پیوندد.» به باور او، جناب‌خان در نهایت ادامه سنت دیرینه شخصیت‌های کم‌دی نیز هست: «او توانسته خود را به شخصیتی تبدیل کند که هم بذلگوست، هم شوخی می‌کند و هم نوعی آگاهی از موقعیت‌ها دارد؛ شخصیتی که می‌تواند

زخمی، اما سرفراز، بر فراز میدان خون بال می‌گشود. پیکرت بر خاک افتاد، اما روحت آن چنان اوج گرفت که هنوز قله‌های تاریخ به بلندای پروازت نرسیده‌اند.

بازگشت «رضا میرکریمی» به فضای مستند

رضا میرکریمی، کارگردان «یه حبه قند»، «دختر» و «قصر شیرین»، سرپرستی تولید مجموعه مستندهایی درباره مراسم وداع با رهبر شهید را در حوزه هنری برعهده گرفته است. او که در آغاز مسیر فیلمسازی چند مستند ساخته و بعدها با آثار سینمایی‌اش شناخته شد، حالا قرار است تیمی از مستندسازان را برای ثبت این رویداد همراهی کند. میرکریمی پیش‌تر نیز سرپرستی پروژه «سرداران شهید» را برعهده داشت و اکنون با دعوت از مستندسازان مختلف، در حال شکل دادن به تیم تولید این پروژه است. **امهر**



«بهروز افخمی» پشت دوربین «حال خونین دلان؛ پهلوان جهان»

پیش‌تولید مستندسینمایی «حال خونین دلان ۲: پهلوان جهان» به کارگردانی بهروز افخمی و تهیه‌کنندگی میثم کریمی آغاز شد. افخمی که سال‌ها پیش مستند «حال خونین دلان» را درباره ارتحال امام خمینی (ره) ساخته بود، این‌بار روایت تازه‌ای از آیین تشییع رهبر شهید ارائه می‌دهد. مستند تازه با تمرکز بر چهره‌ها و گروه‌هایی از کشورهای مختلف، سفر و حضور آنان برای شرکت در این مراسم را ثبت می‌کند و تلاش دارد ابعاد انسانی و فراملی این رویداد را به تصویر بکشد. این اثر محصول سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. **ایران**



امام محمد باقر (ع): اگر مردم می‌دانستند که چه فضیلتی در زیارت مرقد امام حسین علیه‌السلام است از شوق زیارت می‌مزدند.

نواب‌الاعمال، ص ۳۱۹

رعدی در آسمان دل‌ها می‌پیچد: نام مردی که از سپاه دشمن آمد، اما در صف عاشقان کربلا راهی بهشت شد.

عبدالرحیم سعیدی راد



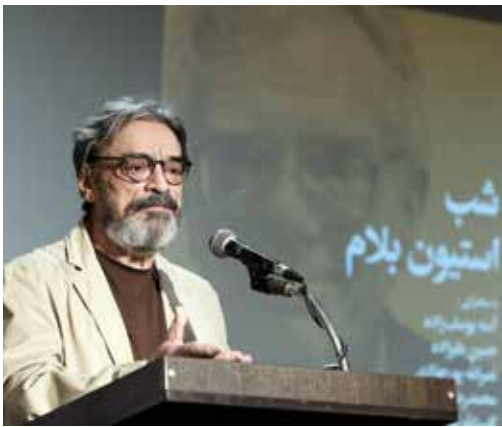
«مهدویان» دوباره به مستند برمی‌گردد

محمدحسین مهدویان، کارگردان پرکار سینمای ایران و سازنده آثاری چون «ماجرای نیمروز» و «مستند «رئیس سرچشمه» درباره شهید بهشتی، این روزها همراه تیمی از مستندسازان در تدارک ثبت تصویری مراسم تشییع رهبر شهید است. با اعلام زمان برگزاری مراسم، روند مستندسازی این رویداد سرعت گرفته و مهدویان نیز در میان فیلمسازانی قرار دارد که برای روایت آن وارد میدان شده‌اند. او هم‌زمان سریال «کلاغ» با بازی هادی حجازی‌فر را در شبکه نمایش خانگی در حال پخش دارد. **امهر**

رویداد

بزرگداشت پژوهشگری که موسیقی ایرانی را با جان و دل شناخت

حسین علیزاده: استیون بلام برای ما یک هموطن است



ندا سسیجانی، گروه فرهنگی / نهد و پنجاه و پنجمین شب بخارا به بزرگداشت استیون بلام، پژوهشگر برجسته موسیقی ایرانی اختصاص یافت؛ شبی که در خانه هنرمندان ایران و با حضور چهره‌هایی چون حسین علیزاده، محمدرضا درویشی، بابک خضری و هومان اسعدی برگزار شد تا از سال‌ها تلاش پژوهشگری تقدیر شود که بخش مهمی از عمر خود را صرف شناخت، پژوهش و معرفی موسیقی ایران کرده است. «استیون بلام»، متولد کیلینتد اوهایو، تحصیلات موسیقی خود را در هنرستان موسیقی کالج آپرین نیدل کرد. او که به گفته خودش از مسیر شعر به موسیقی علاقه‌مند شد، بخش مهمی از فعالیت‌های پژوهشی خود را به موسیقی ایرانی اختصاص داد. رساله دکتری این پژوهشگر ۸۴ ساله نیز درباره موسیقی شمال خراسان بود. بلام در پیوند بین موسیقی ایران و فرهنگ جهانی، علاقه‌مند بود سال‌ها را با دکتر نورعلی برومند در دانشگاه ایلینوی، زمانی که دانشجوی دکتری موسیقی‌شناسی بود، سرافراز دلبستگی من به موسیقی، شعر و پیوند شعر و موسیقی در زبان فارسی و زبان‌های دیگر شد. به عنوان دانشجوی فرهنگ‌های انسانی، علاقه‌مند بود سال‌ها را با دکتر وگو به موسیقیدانان بنا کند و او همین رو تصمیم گرفت پژوهش خود را درباره موسیقی شمال خراسان و در سه زبان ترکی، کرمانجی و فارسی انجام دهد.»

حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده پیشکسوت، یکی از سخنرانان این مراسم بود. او با اشاره به شخصیت استیون بلام گفت: «او یک انسان و یک فرشته است؛ کسی که وقتی می‌خواهد با هم‌نوع خود و با هنر او شریک شود، این کار را عمیق و صادقانه انجام می‌دهد.» علیزاده همچنین یاد استاد جلیل شهناز را که سالان محل برگزاری مراسم به نام اوست، گرامی داشت. این آهنگساز با اشاره به اهمیت حضور پژوهشگری مانند بلام در شناخت موسیقی ایرانی اظهار کرد: «آنچه باعث حضور من در این برنامه شد، این جشن خودساخته است که به همت اهالی موسیقی برگزار شده است.» علیزاده همچنین نسبت به نگاه‌های سطحی در پژوهش موسیقی هشدار داد و گفت: «کسانی که واقعاً شیفته موسیقی می‌شوند، هم به علم موسیقی آگاه‌اند و هم به احساس موسیقی. استیون بلام نمونه چنین انسانی است؛ کسی که فارسی از زبان صحبت می‌کند و احساس او نسبت به موسیقی ایرانی، حتی از فاصله‌ای دور، قابل درک است.» علیزاده با تأکید بر پیوند موسیقی و انسانیت ادامه داد: «موسیقی در درجه اول احساس است؛ پیش از آنکه تحلیل و تجزیه شود، باید تجربه شود. پژوهش درباره موسیقی زمانی ارزشمند است که با خلاقیت و نگاهی زنده به حال و آینده همراه باشد.» او در پایان سخنانش گفت: «استیون بلام برای ما یک هموطن است؛ کسی که گویی پیش‌تر ایرانی بوده است.»

محمدرضا درویشی، پژوهشگر موسیقی اقوام ایران، دیگر سخنران این مراسم بود. او با اشاره به سال‌ها ارتباط استیون بلام با فرهنگ و موسیقی ایران گفت: «سفرهای استیون بلام به ایران از اواخر سال ۱۳۴۷ آغاز شد تا آخرین سفری که برای بررسی پایان‌نامه هومان اسعدی به ایران آمد، ادامه داشت.»

درویشی با اشاره به یکی از مهم‌ترین بخش‌های نوشته‌های بلام درباره موسیقی ایرانی افزود: «بلام در پیشگفتار کتاب خود با عنوان «شعرخوانی در شمال خراسان» جمله‌ای بسیار کلیدی دارد. او می‌نویسد وقتی از من می‌پرسند چگونه با موسیقی آشنا شدی، پاسخ می‌دهم: از طریق شعر.»

این پژوهشگر موسیقی با طرح این پرسش که آیا دیگر موسیقی‌شناسان نیز توانسته‌اند موسیقی ایرانی را از مسیر شعر درک کنند، تأکید کرد: «این نگاه نشان می‌دهد که ارتباط بلام با موسیقی ایرانی صرفاً یک مطالعه دانشگاهی نبوده، بلکه از دریچه فرهنگ، زبان و احساس شکل گرفته است.»